

بازنمایی تحلیلی _ تطبیقی مهدویت در صحاح سته

سید رضی قادری^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۳/۱۵

تاریخ پذیرش ۹۷/۷/۲۵

چکیده

بدون تردید مسئله مهدویت از مسائل مهم اعتقادی مسلمانان بوده که در طول تاریخ مورد توجه علما و محدثین قرار گرفته است. لذا پرداختن به چنین مسئله ای که در ساختار معرفتی و اعتقادی مسلمانان تاثیر عمیقی دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از سوی دیگر تحقیق در چنین موضوعی در صحاح سته که مهمترین منابع دینی اهل سنت می باشد اهمیت مسئله را مضاعف می کند. برخلاف تصور برخی که گمان کرده اند در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) هیچ اشاره ای به این مطلب نشده است. نگارنده بر این عقیده است که مسئله مهدویت از جهات گوناگون در صحاح سته و نیز صحیح بخاری و مسلم مورد توجه واقع شده است. در صحاح سته به حدیث معرفت و نیز روایت دوازده خلیفه پرداخته شده و نیز به برخی از موضوعات مهم علائم ظهور مانند نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان و اقتدا به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ظهور سفیانی و خسف بیداء و... تصریح کرده است. در این مقاله سعی شده به روش تحلیلی و با نگاه تطبیقی تقریبی این موارد را بازنمایی کند و این تحقیق را مطابق معیارهای معتبر در فهم و تطبیق تحلیل کرده و هیچ دخل و تصرفی در داوری نداشته باشد تا حق مطلب ادا شده و نزد محققان مقبول افتد.

کلید واژه‌ها: مهدی، خلیفه، فتن، آخر الزمان، اثنی عشر، اشراف الساعه، شیعه و سنی

^۱. مدرس حوزه، ایپانامه: ghaderi1@chmail.ir

مقدمه

تردیدی نیست که یکی از مؤلفه‌های مهم حیات اجتماعی بشر مسئله دین و اعتقادات دینی بوده است کمتر جامعه و ملتی را می‌توان یافت که در آن معارف دینی ولو به صورت کمرنگ رسوخ نکرده باشد لکن برخی از اعتقادات و تصورات آدمی باورهای اصیلی است که با فطرت و عقل آدمی عجین شده است یکی از همین اعتقادات، اعتقاد به منجی و موعود مصلح آخر الزمان است که در هر ملتی و مذهبی و حتی غیر معتقدان به ادیان الهی مطرح بوده است البته این حقیقت در عقاید و معارف اسلامی تحت عنوان «مهدی» تبلور یافته و اذهان را معطوف به خود نموده است. بنابراین نباید تردیدی داشت که از بخشهای مهم عقاید اسلامی «اعتقاد به مهدویت و ظهور آن حضرت در آخر الزمان می‌باشد.

از آن هنگامی که آفتاب هستی بخش اسلام در جزیره العرب طلوع کرد وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ این اعتقاد را نیز در گوش مسلمانان و پیروان و همه منادیان وحی زمزمه نموده و چشم امید و انتظار آنها را به آینده درخشان نوید داد. فلذا با قاطعیت می‌توان گفت: در اصل اعتقاد به مهدی موعود نوعی وحدت نظر و اتفاق فکری در بین همه مسلمین با همه فرق و مذاهب آن برقرار است. هر چند در این میان برخی با انگیزه‌های مبهم یا جاهلانه و یا مغرضانه این اندیشه اصیل را برگرفته از اندیشه یهودی و مسیحی و یا باوری صرفاً شیعی مطرح می‌کنند.^۱

این مقاله در پی اثبات این مدعاست که در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت - صحاح سته - احادیث فراوانی در مورد امام مهدی (اصل اعتقاد به مهدی، ظهور و خروج آن حضرت، حسب و نسب، علائم و شرائط ظهور و حکومت جهانی آن حضرت) مطرح است و کاملاً قابل تطبیق بر احادیث شیعی است و جالب آن است که در ۳ کتاب از صحاح سته باب خاصی را به موضوع امام مهدی اختصاص داده است:

سنن ابن ماجه با عنوان «باب خروج المهدی»، سنن ترمذی نیز باب «ما جاء فی

۱. فان فلوتن، السیاده العربیه ص ۱۳۲؛ گلدزیهر، العقیده و الشریعه فی الاسلام، ص ۱۸۴؛ سعد محمد حسن، المهدویه فی الاسلام، ص ۴۸.

المهدی» و در سنن ابی داود فصل «کتاب المهدی» باز کرده و احادیثی چند در آن متذکر شده‌اند.

جایگاه مهدویت در اهل سنت

مهدویت و ظهور امام مهدی در آخرالزمان عقیده‌ای است که مسلمانان با توجه به اختلاف مذاهبی که دارند بر آن متفق هستند و این قضیه اختصاص به مذهب خاصی ندارد جمیع مذاهب اسلامی اعم از شیعه امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه، حنبلیه، شافیه، مالکیه و وهابیه و دیگران بر این مطلب اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی از عترت پیامبر ﷺ قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده است حتی برخی از دانشمندان اهل سنت تصریح کرده‌اند که منکر خروج مهدی کافر است.^۱

بنابراین ما در این بخش به برخی از دانشمندان اهل سنت و کتبی که موضوع مهدویت را مورد توجه قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم:

الف. روایات مهدوی در مصادر اهل سنت

مصادر و منابع فراوانی از دانشمندان اهل سنت وجود دارد که در آن به روایات مهدوی نیز پرداخته شده است این مصادر و منابع اعم از صحاح و مسانید و معاجم و تواریخ است. البته نقل تمام این منابع به صدها مورد می‌انجامد لکن ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. المصنف از عبدالرزاق بن همام بن نافع الحمیدی (متوفای ۲۱۱ هـ ق) معروف به عبدالرزاق صنعانی، وی در این کتاب بابی را اختصاص داده به باب المهدی و ۱۱ حدیث در آن موضوع آورده است.
۲. الفتن از نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی (متوفای ۲۲۸ هـ ق)؛ وی از اساتید بخاری و برخی دیگر از صاحبان صحاح می‌باشد وی در این کتاب متذکر احادیث مهدوی شده است.
۳. مسند احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق)؛ وی که از ائمه اربعه اهل سنت

۱. متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۷۸.

- می‌بشد در این کتاب ۱۳۴ حدیث در موضوع امام مهدی گردآوری نموده است.
۴. المعجم از سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ق)؛ طبرانی در هر ۳ کتاب خود - المعجم الكبير - المعجم الاوسط المعجم الصغير احادیث مهدوی را آورده است.
 ۵. المستدرک علی الصحیحین از محمد بن عبدالله نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق)؛ معروف حاکم نیشابوری وی در این کتاب فصل خاصی را با عنوان کتاب الفتن آورده و احادیث مهدوی را مطرح نموده است.
 ۶. جامع الاصول فی احادیث الرسول از ابن اثیر جزری (متوفای ۶۰۶ق)؛ وی در این کتاب فصل خاصی را تحت عنوان «فی المسیح و المهدی» باز کرده و احادیث متعددی در این مورد آورده است.
 ۷. النهایه از ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ق)؛ ابن کثیر در این کتاب فصل دارد به نام «فصل فی ذکر المهدی» که احادیث متعددی را نقل کرده است.
 ۸. کنز العمال از متقی بن حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۸ق)؛ وی در دو جای این کتاب به احادیث مهدوی پرداخته است در یک بخش تحت عنوان «خروج المهدی» و بخش دیگر در بابی به نام «المهدی».

ب. کتابهای ویژه امام مهدی از اهل سنت

از آنجایی که اعتقاد به مهدی از مسلمات عقاید مسلمانان و مورد تاکید در روایات است لذا عالمانی فراوانی از اهل سنت کتابهای خاصی در مورد امام مهدی نوشتند و احادیث مهدوی را در آن گردآوری کرده‌اند. ما در این قسمت نیز فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. عباد بن یعقوب الرواجنی (متوفای ۲۵۰ق) کتاب اخبار المهدی؛
۲. ابوالحسین احمد بن جعفر المنادی (متوفای ۳۳۶ق) کتاب الملاحم؛
۳. ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق) وی ۳ کتاب مستقل در

- مورد امام مهدی نوشته و احادیث مربوط به امام مهدی را در آن نقل کرده است: الاربعون فی المهدی، نعت المهدی، مناقب المهدی؛
۴. محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۷ق) کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان؛
۵. یوسف بن یحیی المقدسی شافعی (متوفای ۶۸۵ق) کتاب عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر؛
۶. ابی بکر جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق) کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی؛
۷. احمد بن حجر هیتمی مکی (متوفای ۹۷۴ق) کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر؛
۸. علی بن حسام الدین متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق) کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛
۹. ملا علی بن سلطان القاری (متوفای ۱۰۱۴ق) کتاب المهدی من آل الرسول؛
۱۰. قاضی محمد بن علی الشوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق) کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح.

ج. قائلین به صحت احادیث مهدوی در اهل سنت

- بسیاری از دانشمندان اهل سنت قائل شدند که احادیث مهدوی از صحت و وثاقت کامل برخوردار است ما در این قسمت نیز به برخی از این دانشمندان اهل سنت می پردازیم.
۱. ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی؛ وی در سنن خود باب خاصی را به موضوع امام مهدی اختصاص داده و در ذیل ۳ حدیث می نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.
۲. حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین در ذیل ۶ حدیث می نویسد: هذا حدیث صحیح الاسناد.
۳. قرطبی مالکی (متوفای ۶۷۱ق) در کتاب التذکره اشاره به صحت برخی

احادیث مهدوی میکند.

۴. ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ق) در کتاب منهاج السنه النبویه می‌نویسد: احادیثی که برای خروج مهدی به آنها استناد می‌شود احادیثی صحیح هستند.
۵. عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق) در کتاب الیواقیت و الجواهر می‌نویسد: در مورد خروج امام مهدی احادیث صحیح بدست ما رسیده است.
۶. شیخ عبدالمحسن بن العباد (از معاصرین و رئیس دانشگاه عربستان سعودی).

د. قائلین به تواتر احادیث مهدوی در اهل سنت

در میان عالمان محدثان اهل سنت بسیاری از آنها نیز قائل به تواتر احادیث مهدوی شده‌اند ما در این قسمت نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجستانی (متوفای ۳۶۳) در کتاب مناقب الشافعی.
۲. حافظ محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق) در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان آخر باب یازدهم.
۳. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق) در کتاب تهذیب التهذیب درج ۹ ص ۱۲۵ می‌نویسد: اخبار و روایات متواترند بر اینکه مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از این امت است و عیسی بن مریم خواهد آمد و پشت سر او نماز می‌گذارد.
۴. ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق) در کتاب الصواعق المحرقة ص ۹
۵. محمد بن عبدالرسول الحسینی البر زنجی (متوفای ۱۱۰۳) در کتاب الاشاعه لا شراط الساعه ص ۸۷ و در صفحات دیگر ادعای تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی را مطرح می‌کند.
۶. شیخ محمد سفارینی حنبلی (متوفای ۱۱۸۸ق) در کتاب لوائح الانوار البهیة درج ۲ ص ۸۰ می‌نویسد: کثرت بخروجه الروایات حتی بلغت حد التواتر المعنوی و شاع ذلك بین علماء السنه حتی عدّ من معتقداتهم.
۷. سید مومن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹۱ق) در کتاب نور الابصار فی

مناقب آل بیت النبی المختار ص ۲۶۲ می‌نویسد: اخبار متواتر از پیامبر ﷺ رسیده که امام مهدی از اهل بیت ایشان است و جهان را پر از عدل و داد می‌کند.

و. اهل سنت و تصریح بر امام مهدی محمد بن الحسن العسکری عنه السلام

هر چند معروف است که می‌گویند تمام عالمان اهل سنت قائلند امام مهدی متولد نشده و در آخر الزمان بدنیا آمده و ظهور و خروج خواهد کرد لکن بعضی از عالمان اهل سنت معتقدند امام مهدی متولد شده و او همان محمد بن الحسن العسکری است ما در اینجا به برخی از این افراد اشاره می‌کنیم:

۱. ابن خلکان در کتاب و فیات الاعیان در ذکر نام «ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی»^۱
۲. کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸) در کتاب کفایه الطالب می‌نویسد: ابو محمد حسن عسگری فرزند هادی در مدینه متولد شده و در سامرا در همان خانه‌ای که پدرش هادی دفن شد مدفون گشت و از خود فرزندی به جای گذاشت که همان منتظر می‌باشد.^۲
۳. ابن صباغ مالکی مصری (متوفای ۸۵۵ ه ق) در کتاب الفصول المهمه.^۳
۴. عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ ق) وی در کتابش می‌نویسد: مهدی عنه السلام از اولاد امام حسن عسگری است و زمان تولدش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق بود و هم اکنون زنده است تا اینکه عیسی عجله الله با او هم پیمان بشود. عمر شریف او تا این زمان که سال ۹۵۸ ق است ۷۰۶ سال است.^۴
۵. مومن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹) در کتابش فصلی را با عنوان «مناقب

۱. ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲. کنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۴۵۸.

۳. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۷۴.

۴. شعرانی، البواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳.

محمد بن الحسن» گشوده و به ذکر نسب و حیات آن بزرگوار پرداخته است.^۱

احادیث عام مهدوی در صحاح سته

این موضوع امام مهدی در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت که صحاح سته می‌باشد به دو صورت مطرح شده است یک صورت این است که ما در صحاح سته به احادیثی بر می‌خوریم که موضوع مهدویت از آن به طور کلی قابل استنباط است صورت دوم این است که برخی از احادیث فقط بر موضوع امام مهدی قابل تطبیق است، لذا در این بخش ابتدا به احادیثی پرداخته خواهد شد که به طور عام بر مسئله مهدویت قابل انطباق است.

۱. حدیث دوازده خلیفه

یکی از احادیث صحیح و متواتر که در صحاح سته و دیگر منابع موثق اهل سنت و هم در کتب شیعه مطرح شده «حدیث دوازده خلیفه» است. این روایت به طرق متعدد و همگی از پیامبر ﷺ نقل شده است لذا صدور این حدیث از پیامبر ﷺ قطعی و مسلم می‌نماید و نیاز به بررسی سندی نیست و فقط باید دلالت آن را مورد کنکاش قرار داد. البته برخی از دانشمندان اهل سنت بر صحت این حدیث تصریح کرده‌اند.^۲ (حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در منتخب الاثر جلد ۱ باب اول، ۱۴۷ روایت را در همین باب از منابع معتبر اهل سنت نقل می‌کند).

بخاری در کتاب الاحکام باب استخلاف به سند خود از جابر بن سمره نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: **يكون اثنا عشر اميراً فقال كلمة لم اسمعها، فقال ابي: انه قال: كلهم من قريش.** دوازده امیر خواهند بود آنگاه سخنی فرمود که من آن را نشنیدم، پدرم گفت: همه آنان از قریش هستند.^۳

مسلم در کتاب الاماره به سندش از جابر بن سمره نقل کرده که گفت: با پدرم بر پیامبر ﷺ وارد شدیم شنیدیم که می‌گوید: **ان هذا الامر لا ينقضى حتى يمضى فيهم اثنا عشر**

۱. شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۳۸.

خلیفه قال: ثم تكلم بكلام خفي على قال فقلت لا بی ما قال؟ قال: كلهم من قریش.^۱
مسلم در کتاب الاماره این حدیث را به ۵ طریق نقل می کند که ما به یک طریق آن اکتفا می کنیم:

مسلم به سند خود از سماک بن حرب از جابر نقل کرد که از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفه، ثم قال كلمه لم افهمها فقلت لابي ما قال؟ فقال: كلهم من قریش همیشه اسلام عزيز است تا دوازده خلیفه بر آنها حاکم بشود آنگاه پیامبر ﷺ کلمه ای گفت که من آن را نفهمیدم از پدرم سوال کردم: پیامبر ﷺ چه فرمود؟ پدرم گفت: همه آنها از قریش هستند.^۲

این حدیث را ابی داود در سنن خود در کتاب به دو طریق آورده است.^۳
و این حدیث در سنن ترمذی در ابواب القدر در باب ما جاء فی الخلفاء آمده و ترمذی در ذیل این حدیث می نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.^۴

این حدیث دوازده خلیفه در بسیاری از کتب معتبر اهل سنت مطرح شده که فقط از طریق جابر بن سمره در بیش از ۵۰ منبع اهل سنت آمده است در کتب روایی شیعه نیز مطرح شده و حتی در برخی از کتب معتبر شیعی اسامی ۱۲ خلیفه ذکر شده است البته در برخی از کتب اهل سنت نیز این اسامی ۱۲ خلیفه اشاره شده است.^۵

نکات مورد استفاده از این روایات:

روایت دوازده خلیفه هر چند با عبارت مختلف نقل شده ولی مضمین آن واحد است لذا این نکات به راحتی از آن قابل استنباط است:

۱. خلافت پس از رسول خدا ﷺ منحصر در ۱۲ نفر است؛

۲. همگی آنان از قریش هستند؛

۱. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

۲. همان ص ۳۰۴.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱، حدیث ۴۲۷۳، ۴۲۷۴.

۴. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰، حدیث ۲۳۲۳.

۵. جوینی شافعی، فرآند السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳؛ قندوزی حنفی، ینابیع الموده، باب ۷۶، ص ۴۴۱.

۳. عزت اسلام به وجود این خلفا بستگی دارد یعنی مراد پیامبر این است که این خلفا موجب عزت و سربلندی اسلام هستند؛
۴. دین اسلام پایان نمی‌پذیرد مگر این که این ۱۲ خلیفه روی کار بیایند؛
۵. نکته مهم دیگر این است که این خلافت پیاپی و بدون فاصله است چون معنای خلیفه همین است؛
۶. این روایت را پیامبر ﷺ در میان عموم مسلمین مطرح فرموده است.
۷. البته نکته‌ای در این جا ذهن هر مسلمان منصفی را به خود مشغول می‌کند که چرا وقتی پیامبر ﷺ به امر مهمی چون خلافت این ۱۲ نفر بعد از خودش اشاره می‌کند یکباره برخی سر و صدا کردند به نحوی که جابرین سمره می‌گویند من کلام آخر پیامبر ﷺ را نفهمیدم.

مصدق ۱۲ خلیفه

خلافت در بین شیعه و سنی از قداست خاصی برخوردار است خصوصاً که در برخی از آیات الهی به خلیفه خداوندی نیز اشاره شده است لذا خلیفه رسول خدا ﷺ نیز بار معنوی خاصی به همراه دارد. خلیفه رسول خدا ﷺ باید کسی باشد که صاحب تقوای باطن و تهذیب نفس در درون و نیز اقامه کننده عدل و برپا کننده معروف و مانع منکرات باشد اگر غیر از این معنا باشد او خلیفه شیطان و مطیع شیطان است.

در بین اهل سنت اختلاف نظر در مورد مصادیق این ۱۲ خلیفه بسیار زیاد است و بر همین اساس توجیهاات و تفسیرهای فراوانی مطرح کرده‌اند که ما فقط به یک توجیه و تفسیر آن می‌پردازیم.

برخی از عالمان اهل سنت گفتند مراد از این ۱۲ خلیفه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبدالعزیز.^۱

ضعف این توجیه برخی از عالمان اهل سنت بسیار آشکار است: اولاً کسانی در زمره

۱. عظیم آبادی، *عون المعبود*، ج ۱۱، ص ۳۶۱.

خلیفه رسول خدا ﷺ معرفی شده‌اند که در عمل و رفتار خلاف سیره و سنت آن بزرگوار عمل کردند.

ثانیاً: پیامبر ﷺ فرمود این ۱۲ نفر موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند آیا این ۱۲ نفر همگی دارای چنین وصفی بوده‌اند؟ مثلاً آیا این وصف بر یزید بن معاویه و امثال او قابل تطبیق است در حالیکه یزید فاسق و شارب خمر بود و جنایاتی که یزید در طول چهار سال حکومت خود مرتکب شد هر مسلمانی شرم می‌کند او را خلیفه مسلمین بداند. خود اهل سنت نقل کرده‌اند که فردی نزد عمر بن عبد‌العزیز از یزید به عظمت یاد کرد عمر بن‌العزیز فوراً دستور داد این را بیست تازیانه بزنند.^۱

برخی از عالمان اهل سنت نیز در توجیه ۱۲ خلیفه گفتند چهار خلیفه راشدین در ابتدای خلافت هستند و بقیه در طول تاریخ و تا قیام قیامت می‌آیند و حکومت می‌کنند.^۲ این توجیه نیز بسیار نادرست است چون خلافت دلالت بر متوالی بودن و پیاپی آمدن این خلفای ۱۲ گانه است.

لکن باید بگوئیم همان طور که در روایات شیعه این ۱۲ خلیفه مطرح شده‌اند و برخی از علمای اهل سنت نیز بر آن تصریح کرده‌اند قابل تطبیق است و همه این ۱۲ خلیفه پیاپی و متوالی بوده و موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند. بر همین اساس شیخ طوسی استدلال کرده تطبیق این روایات ۱۲ خلیفه بر امامان ۱۲ گانه شیعه موجب اعتبار روایت و اعتبار عدد می‌شود.^۳ و دیگر توجیهاست و تفسیرها موجب می‌شود که افرادی داخل در ۱۲ خلیفه شوند که تخصصاً خارج هستند یا اینکه انحصار خلافت به ۱۲ نفر مشکل پیدا کند.

بنابراین ۱۲ خلیفه همان ۱۲ امام معصوم می‌باشد که اولین آنها امام علی علیه السلام و آخرین آنها امام مهدی می‌باشد.

در سنن ابن ماجه بر این مطلب تصریح می‌کند که امام مهدی خلیفه خدا بر روی زمین

۱. هیشمی، *صواعق المحرقة*، ص ۲۱۶.

۲. ابن کثیر، *تفسیر ابن کثیر*، ج ۲، ص ۳۴ ذیل آیه ۱۲ سوره مائده.

۳. طوسی، *الغیبه*، ص ۱۵۶.

است.^۱ حاکم نیشابوری می‌نویسد که این حدیث طبق مبنا و شروط بخاری و مسلم از حیث سند صحیح است.^۲

در کتاب بذل المجهود که شرح سنن ابی داود است بعد از نقل اقوال گوناگون در مورد خلفای اثنا عشر در انتها می‌نویسد: و آخر هم الامام المهدی و عندی هذا هو الحق.^۳ در صحیح مسلم از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: یكون فی آخر امتی خلیفه یحشو المال حیثاً و لا یعدّ عدلاً در میان امت من در آخر الزمان خلیفه‌ای است که مال فراوان می‌بخشد و هیچ هم شمارش نمی‌کند.^۴

البته هم در صحیح مسلم در باب نزول عیسی و هم در شرح صحیح مسلم اشاره شده که مراد از این خلیفه حضرت مهدی است. برخی از دانشمندان و محققان اهل سنت قائل شدند اینکه ابی داود در سنن خود در کتاب المهدی حدیث ۱۲ خلیفه را آورد نشانگر این مطلب است که ابی داود نیز معتقد است امام مهدی خلیفه دوازدهم از خلفای ۱۲ گانه است.^۵

۲. حدیث ثقلین

یکی از احادیثی که مورد اتفاق همه مسلمین است « حدیث ثقلین » است که در معتبرترین کتب شیعه و سنی آمده است. این حدیث را ۴۳ نفر از صحابه پیامبر ﷺ نقل کرده و بیش از ۱۶۰ نفر از عالمان و محققان اهل سنت در کتب خود آورده‌اند این حدیث در صحیح مسلم و سنن ترمذی آمده است.^۶

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۶۷، حدیث ۴۰۸۴.

۲. نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. تفری، بذل المجهود، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

۴. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۵. سیوطی، العرف الوردی فی اخبار المهدی، ص ۲۴۷.

۶. هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۸۹.

۷. مرحوم میر حامد حسین هندی در کتاب عبقات الانوار که در باب امامت ائمه اطهار تدوین کرده تنها در دو جلد آن یعنی به میزان ۹۴۴ صفحه فقط به این حدیث ثقلین پرداخته سهم عمده ای از روایات این مسئله مربوط به منابع اهل سنت می‌باشد که نشان از اهمیت و جایگاه این حدیث در نزد اهل سنت است.

مسلم در صحیح خود از زید بن ارقم نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در کنار برکه آبی به نام خم بین مکه و مدینه برای جمعیت حاضر خطبه‌ای خواند و در ضمن خطبه از نزدیک شدن مرگ خود صحبت کرد و بعد فرمود ایها الناس من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و می‌روم: اول آنها کتاب خدا که در آن هدایت و نور است کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ بزنید سپس فرمود: و اهل بیت من. پیامبر ﷺ ۳ بار فرمود «اذکرکم فی اهل بیتی» شما را در حق اهل بیتم سفارش می‌کنم.^۱

ترمذی این حدیث را به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در حجة الوداع در حالی که سوار بر شتر بود خطبه خواند و شنیدم که فرمود: انی تارک فیکم ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الاخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیه.^۲

عالمان فراوانی از اهل سنت به صحت این حدیث اذعان نموده‌اند که لزوم به ذکر آن نیست. البته یک نکته قابل توجه است و آن اینکه در صحیح مسلم و سنن ترمذی این روایت به صورت «کتاب الله و عترتی اهل بیتی» آمده است لکن در برخی از منابع بعدی و متاخر به صورت «کتاب الله و سنتی» تغییر یافته که موجب تأمل است.

نکات قابل استفاده از حدیث ثقلین؛

۱. کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ گرانبهاترین شی نزد رسول خدا ﷺ بودند.
۲. هدایت و سعادت در سایه سار کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ است به دلیل «لن تضلوا»
۳. تمسک به هر دو موجب هدایت و سعادت است یعنی قرآن و عترت معیت ابدیه دارند یعنی اگر یکی را بگیرید و دیگری را رها کنید گمراه می‌شوید همان طور که علامه مناوی از علمای اهل سنت به این مطلب اشاره کرده

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۲. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱.

است.^۱

۴. قرآن و عترت پیامبر ﷺ تا روز قیامت باقی هستند لذا نمی‌شود زمانی قرآن باشد و عترت نباشد.

۵. مهمترین نکته دیگر حجیت و عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ است چون شکی در عصمت قرآن نیست و از آنجایی که عترت هم عطف بر آن شده در تمسک نشانگر عصمت و حجیت اهل بیت است. «لن یفترقا» یعنی هر چه را قرآن می‌گوید همان را عترت می‌گوید و بالعکس و این جز با عصمت معنای دیگری ندارد.

اهل بیت در حدیث

یکی از مطالبی که باید در اینجا بررسی کرد این است که مراد از این «اهل بیت و عترت پیامبر» که عدل قرآن قرار گرفته‌اند چه کسانی هستند؟

همین مطلب در تفسیر آیه تطهیر «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^۲ مطرح شده که این اهل البیت چه کسانی هستند که خداوند متعال طهارت تکوینی و ذاتی آنها را اراده کرده است؟

نظرات مختلفی در میان دانشمندان اهل سنت مطرح شده که برخی از آن نظرات هم قابل جمع است و تعارض و تنافی با هم ندارند. لکن نظریه‌ای که صائب و حق جلوه می‌کند و قائلین فراوانی نیز دارد و در منابع معتبر اهل سنت مطرح شده، این است که مراد از اهل البیت در قرآن خصوص پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند و همین نظریه در مورد حدیث ثقلین نیز صادق است چون خود پیامبر ﷺ مصداق اهل بیت را مشخص فرموده است.

مسلم در صحیح خود از عایشه نقل میکند: پیامبر ﷺ صبحگاهی از خانه خارج شد در حالیکه بر دوش او پارچه‌ای از پشم خیاطی شده بود. حسن بن علی بر او وارد شد او را

۱. مناوی، فیض القدیروء، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

داخل کسا کرد آنگاه حسین علیه السلام وارد شد او را نیز داخل کرد آنگاه این آیه را تلاوت کرد «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً»^۱ باز مسلم در صحیح خود در باب فضایل الصحابه حدیثی نقل می‌کند که بعد از نزول آیه مباحله^۲ دعا رسول الله علیاً و فاطمه و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء اهلی.^۳

ترمذی همین احادیث را با سند متعدد در سنن خود متذکر می‌شود که بسیار مورد توجه است.^۴

بنابراین مراد از عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همان کسانی هستند که در مباحله حاضر شده یا در کسا قرار گرفتند علامه مناوی یکی از دانشمندان اهل سنت در شرح حدیث تقلین می‌نویسد: مقصود از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تنها افرادی هستند که دارای علم و پاکی خاصی بوده و هیچگاه از قرآن جدا نمی‌شوند و این افراد همان اصحاب کسا هستند که خداوند پلیدی را از آنها دور کرده است.^۵

خلاصه و جان سخن در این است مصداق عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمان چه کسی است تا مصداق «لن یفترقاً» بین قرآن و عترت تجلی یابد چون معنا ندارد الان قرآن باشد و عترت نباشد.

ابن حجر هیتمی می‌نویسد: عترت باید کسانی باشند که تمسک به آنها تا قیامت شایسته و موجب بقا و ایمنی برای اهل زمین باشد و بخاطر همین است که پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمین را امر کرده به اهل بیت او تمسک کنند.^۶

برخی از دانشمندان اهل سنت مثل سبطین جوزی و علامه قندوزی قائل شدند مراد از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله همان ائمه اثنا عشر و خلفای دو از ده‌گانه هستند که شیعه قائل است.^۷

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۵. مناوی، فیض القدیر، ج ۳ ص ۱۴.

۶. هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۹۱-۸۹.

۷. ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۲، جوینی شافعی، فرآند السمطین، ج ۱، ص ۳۱۷.

انصاف آن است که در خود صحاح سته روایاتی وجود دارد که مصداق کنونی عترت را وجود مبارک امام مهدی می‌داند.

در سنن ابی داود آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: لا تنقضی الایام و لا یذهب الدهر حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطی اسمی.^۱

همین حدیث به سند دیگر در سنن ترمذی آمده است.^۲

باز در سنن ابی داود از ام سلمه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمه.^۳

بنابراین در می‌یابیم قرآن و عترت طبق حدیث ثقلین در هیچ زمانی از هم جدا نخواهند شد و مصداق کنونی عترت و اهل پیامبر ﷺ که همتای قرآن است امام مهدی می‌باشد که تمسک به آن حضرت در کنار قرآن موجب سعادت است.

البته احادیث عام مهدوی دیگر مثل حدیث معرفت امام و حدیث وجود قرشی و احادیث دیگر قابل طرح است که از آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

مهدویت و احادیث خاص مهدوی در صحاح سته

در این بخش به بررسی احادیثی می‌پردازیم که به طور خاص در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه مطرح شده و یا تطبیق آن فقط در دوران آن حضرت می‌باشد ذکر این نکته نیز لازم می‌نماید که تمامی این احادیث برگرفته از صحاح سته می‌باشد که معتبرترین منابع اهل سنت است.

این احادیث خاص مهدوی را در چند محور بررسی می‌کنیم؛

محور اول: حسب و نسب امام مهدی

شکی نیست که مهمترین بحث در مورد امام مهدی حسب و نسب آن بزرگوار است. در بررسی این روایات می‌بینیم حسب و نسب امام مهدی در صحاح سته به صورتی است که

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲.

در کتب روایی شیعه نیز به چشم می خورد.

۱) از فرزندان عبدالمطلب

ابن ماجه در سنن خود از انس بن مالک نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: نحن ولد عبدالمطلب ساده اهل الجنة انا و حمزه و علی و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي . ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم من و حمزه و علی ﷺ و جعفر و حسن و حسین و مهدی.^۱

۲) از اهل بیت پیامبر ﷺ

ابی داود در سنن خود از عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: لو لم یبق من الدنيا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً منی من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی... . اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد هر آینه خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا آنکه مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که اسمش نظیر اسم من است.^۲ ترمذی در سنن این حدیث را با اسناد خود از عبدالله بن مسعود متذکر شده و دو حدیث دیگر می آورد و در ذیل هر سه حدیث می نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.^۳

ابی داود در سنن خود حدیث دیگری از امام علی ﷺ نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: لو لم یبق الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً.^۴ اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند یکی از اهل بیت مرا خواهد فرستاد که زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ستم پر شده است .

در سنن ابن ماجه از محمد بن الحنفیه از امام علی ﷺ روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیلہ. مهدی از ما اهل بیت است خداوند امر او

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۶۸، حدیث ۴۰۸۷.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹، حدیث ۴۲۸۲.

۳. سنن ترمذی، ج ۲، حدیث ۴۲۳۱، ۲۲۳۲.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۰، حدیث ۴۲۸۳.

را در یک شب اصلاح می‌کند.^۱

۳) از فرزندان فاطمه

مهمترین محور در حسب و نسب امام مهدی در این محور است که مورد اتفاق شیعه و سنی است در صحاح سته ما روایاتی داریم که این مسئله را نیز متذکر شده‌اند. ابن ماجه در سنن خود با اسناد خویش از ام سلمه نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: المهدی من ولد فاطمه مهدی از فرزندان فاطمه است.^۲ در سنن ابن داود نیز از پیامبر ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمه.^۳

نکته قابل توجه و تامل این است که حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمه» را چهار نفر از علمای بزرگ اهل سنت در کتب معتبر خود از صحیح مسلم روایت کرده‌اند: ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق) در الصواعق المحرقة باب یازدهم فصل اول ص ۱۶۳. متقی هندی حنفی (متوفای ۹۷۵ق) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۴ حدیث ۳۸۶۶۲. شیخ محمد علی صبان مالکی (متوفای ۱۲۰۶ق) در اسعاف الراغبین ص ۱۴۵. شیخ حسن عدوی جزاوی مالکی (متوفای ۱۳۰۳ق) در مشارق الانوار ص ۱۱۲. با اینکه این علمای بزرگ اهل سنت تصریح کرده‌اند که این حدیث را از صحیح مسلم نقل کرده‌اند لکن در چاپ‌های موجود و در دسترس هیچ اثری از این حدیث در صحیح مسلم به چشم نمی‌خورد.

محور دوم: شمایل و سیمای مهدی

از آنجایی که موضوع امام مهدی بسیار مهم و اساسی بوده لذا در روایات متعددی می‌بینیم که پیامبر ﷺ حتی شمایل و سیمای ظاهری امام مهدی را بیان فرموده است البته خصوصیات ظاهری امام مهدی ﷺ در روایات شیعی بیشتر مطرح شده است.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۵.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲ حدیث ۴۰۸۶.

۳. سنن ابی داود، ج ۴ حدیث ۴۲۸۴.

۱. همنام پیامبر ﷺ

در سنن ابی داود روایتی از پیامبر ﷺ آورده که آن حضرت فرمود: لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من یواطی اسمہ اسمی. اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که اسم او اسم من است.^۱

شبهه به همین حدیث در سنن ترمذی از پیامبر ﷺ رویت شده است.^۲ باز در سنن ابی داود حدیث دیگری آمده که امام علی علیه السلام نگاهی به فرزندش کرد و فرمود سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم... . خداوند از نسل او مردی را خارج میکند که همنام پیامبرتان است.^۳

و نیز در سنن ترمذی روایت دیگری از عبدالله بن مسعود نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی.^۴

۲. پیشانی بلند، بینی کشیده

در روایات متعددی از شیعه و سنی و در کتب معتبره خصوصیات ظاهری امام مهدی توصیف شده است لکن در صحاح سته در سنن ابی داود از ابی سعید خدوی از پیامبر ﷺ نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف... مهدی از فرزندان من است پیشانی بلند و بینی کشیده است...^۵

محور سوم: شرائط و علائم ظهور

از موضوعات مهمی که در مباحث مهدوی مورد توجه قرار گرفته و در روایات متعددی مطرح شده «شرائط و علائم ظهور» است. این روایات از یک طرف نشان از اهمیت این موضوع در مباحث مهدوی است و از طرف دیگر موجب امید و دلگرمی و روحیه

۱. سنن ابی داود، ج ۲ حدیث ۴۲۸۲.

۲. سنن ترمذی، ج ۳ حدیث ۲۳۳۱.

۳. سنن ابی داود، ج ۲ حدیث ۴۲۹۰.

۴. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۳۲.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۵.

آینده‌نگری و هوشمندی شده و نیز موجب آمادگی مسلمین می‌شود البته در این محور دروغ‌پردازی‌ها و افسانه‌سرائی‌هایی شده که لازم است محققان دلسوز در این موارد آگاهی کامل را بدهند.

بین شرائط و علائم ظهور تفاوت‌هایی مطرح شده که عمده تفاوت این است که علائم و نشانه‌های ظهور از عهده آدمی خارج است و آدمی نمی‌تواند در آن تأثیر بگذارد ولی انسان‌ها می‌توانند در شرائط ظهور موثر باشند. ما در اینجا ابتدا به شرائط ظهور پرداخته و سپس وارد علائم ظهور می‌شویم:

۱. شرائط ظهور

الف. حتمی بودن ظهور

از موارد مهمی که در روایات مهدوی مورد تأکید قرار گرفته حتمیت و قطعی بودن ظهور امام مهدی علیه السلام است که در صحاح سته نیز در چند حدیث مطرح شده است. ترمذی در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: لو لم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی. اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد.^۱ باز ترمذی حدیث دیگری را شبیه به همین مضامین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند.^۲ ابی داود در سنن خود حتمی بودن ظهور امام مهدی را در سه حدیث مطرح کرده که ما فقط به ذکر یک حدیث آن اکتفا می‌کنیم ابی داود از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لو لم یبق من الدهر الایوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً.^۳

ب. زمینه‌سازان ظهور

از موارد مطرح شده در روایات فریقین مسئله زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام

۱. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۲۳۱.

۲. همان حدیث ۲۲۳۲.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۳.

است که وظیفه ما را در این قبال سنگین تر می کند.

در سنن ابن ماجه از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَهُمْ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانًا» مردی از مشرق زمین خارج شده و برای حکومت امام مهدی زمینه سازی می کند.^۱

البته ما روایات دیگری در منابع شیعی و سنی تحت عنوان «رایات سود» داریم که در علائم ظهور بررسی خواهیم کرد.

ج. محل ظهور

روایات متعددی در منابع شیعی و سنی وجود دارد که محل ظهور حضرت مهدی در مکه است البته در برخی روایات تصریح شده در کنار کعبه و بین رکن و مقام می باشد و در برخی دیگر دارد که بین زمزم و مقام می باشد.

ابی داود در سنن خود از ام سلمه از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: **فِي بَيْتِ عَيْنُونَةَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...^۲** با او در بین رکن مقام بیت میکنند.

نقطه آغازین حرکت امام مهدی مکه و در کنار خانه خدا و بین رکن و مقام می باشد.

۲. علائم و نشانه های ظهور

در منابع روایی شیعی و سنی ما به موارد فراوانی از علائم و نشانه های ظهور بر می خوریم که در روایات شیعی این علائم را به علائم حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده و ۵ علامت را از علائم حتمیه بر شمرده اند.^۳ در منابع اهل سنت تمام این علائم را در کتاب الفتن و یا اشراط الساعة آورده اند.

البته پرداختن به تمامی موارد مطرح شده در علائم ظهور خود مقاله مفصلی می طلبد لکن در این جا به عمده موارد می پردازیم:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۸.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۶۵۰.

الف. فراگیر شدن ظلم و فساد و فتنه

در سنن ابی داود از پیامبر ﷺ روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: المهدی منی... یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.^۱

ابی داود در سنن خود این مطلب را در دو روایت دیگر با مضامین مشابه ذکر می‌کند. البته شکی نیست که در این روایات عبارت پیامبر خدا ﷺ «كما ملئت» است نه بعد ما ملئت. یعنی جهان کنونی نیز سراسر ظلم و ستم است و این طور نیست که گمان برد جهان کنونی لبریز از ایمان و عشق و محبت است و حق هم همین است.

بخاری در صحیح خود با اسناد خویش از ابوموسی نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: ان بین یدی الساعه ایاماً یرفع فیها العلم و ینزل فیها الجهل و یكثر فیها الهرج و المرج و القتل. همانا در آستانه قیامت ایامی خواهد آمد که در آن ایام علم رخت بر می‌بندد و جهل سرازیر می‌شود و هر ج و مرج و قتل زیاد می‌شود.^۲

ما هم در صحیح بخاری در همین باب ظهور الفتن و نیز در صحیح مسلم^۳ و در سنن ابی داود^۴ و در سنن ابن‌ماجه^۵ و در سنن ترمذی^۶ و نیز در سنن نسائی^۷ یعنی در تمام صحاح سته احادیث متعددی با همین مضامین مواجه می‌شویم که تماماً دلالت دارد بر اینکه آخرالزمان ظلم و فساد و فتنه به حدی بالا می‌گیرد که زندگی را بر مردم سخت کرده و حفظ دین در بین متدینان سخت‌تر از همیشه خواهد بود و همگی انتظار فرجی را دنبال می‌کنند که پایان دهنده همه این تیرگی‌ها و ستم‌ها باشد.

ب) طلوع خورشید از مغرب

ما در روایات متعددی در صحاح سته به این مطلب اشاره شده و بسیار مورد تاکید قرار

۱. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۸، باب ظهور الفتن، ص ۸۹.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۸.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۷۸.

۵. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۵۰.

۶. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۰۱.

۷. سنن نسائی، ج ۴، ص ۲۵۲.

گرفته است. در صحیح مسلم از حذیفه بن اسید غفاری نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: ان الساعه لاتکون حتی تکون عشر آیات... و طلوع الشمس من مغربها^۱ قیامت فرا نمی‌رسد مگر آنکه ۱۰ علامت محقق بشود یکی از آنها طلوع خورشید از مغرب است.^۲

البته مسلم این حدیث را با سند دیگر نیز نقل می‌کند. بخاری در صحیح خود از ابوهریره روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود لا تقوم الساعه حتی الشمس من مغربها.^۳

طلوع و خورشید از مغرب از علائمی است که در بقیة صحاح سته نیز مطرح شده است حتی ابن ماجه در سنن خود باب خاصی دارد به همین نام باب طلوع الشمس من مغربها و ۳ حدیث را در آن متذکر شده است.^۴

ج) سفیانی و خسف بیداء

در روایات شیعی خروج سفیانی با لشکرش و فرو رفتن آنها در سرزمین بیداء (بین مکه و مدینه است) از علائم حتمی مطرح شده است.^۵ روایات متعددی هم خصوصیات سفیانی را مطرح کرده و او را از دشمنان اهل بیت علیهم السلام دانسته که کشتار و خونریزی‌های فراوانی را به راه می‌اندازد تا اینکه به سمت مکه حرکت کرده. و در سرزمین بیداء به طرز معجزه‌آسایی در زمین فرو می‌روند.

مسلم در صحیح خود باب خاصی را تحت عنوان «باب الخسف بالجیش الذی یومّ البیت» باز کرده و چندین حدیث در ذیل آن آورده است.^۶

بخاری در صحیح خود نیز این موضوع را آورد و از عایشه نقل کرد که پیامبر ﷺ فرمود: یغزو جیش الکعبه فاذا کانوا ببیداء من الارض یخسف باولهم و آخرهم. لشکری آهنگ کعبه می‌کنند پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند زمین همه آنها را فرو می‌برد.^۷

۱. سنن نسائی، ج ۴ ص ۲۵۲.

۲. صحیح مسلم، ج ۸ ص ۱۷۹.

۳. صحیح بخاری، ج ۵ حدیث ۶۱۴۱.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۶۹.

۵. نعمانی، غیبیت، باب ۱۸، ص ۴۲۶.

۶. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷.

۷. صحیح بخاری، ج ۲، حدیث ۲۰۱۲.

ابن ماجه در سنن خود در کتاب الفتن در باب جيش البیداء ۳ حدیث در این مورد ذکر کرده است.^۱

در سنن ابی داود در کتاب الملاحم و سنن ترمذی در باب ما جاء فی الخسف احادیث متعددی در این مورد متذکر شده‌اند.

د. پرچمهای سیاه «رایات سود»

یکی از نشانه‌های آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی که در روایات شیعی و سنی مطرح شده برافراشته شدن پرچم‌های سیاه (رایات سود) است. این پرچم‌ها در جهت مثبت برای حمایت و هدایت در مسیر امام مهدی از خراسان برافراشته شده و به حرکت در می‌آیند. در صحاح سته در سنن ترمذی^۲ و سنن ابن ماجه آمده است ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

ابن ماجه در سنن خود از ثوبان از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: ... ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق ... فقال: فاذا رأيتموه فیايعوه ولو حبواً علی الثلج فأنه خلیفة الله المهدی ... سپس پرچمهایی سیاه از جانب مشرق ظهور خواهند کرد. سپس فرمود: پس هر گاه آنها را دیدید با آنها بیعت کنید ولو با راه رفتن در برف ها باشد پس همانا او خلیفه خدا مهدی است.^۳

ه. خروج دجال

یکی از نشانه‌های ظهور و یا به تعبیر روایات اهل سنت از علائم آخر الزمان، خروج دجال است. در مورد دجال در کتب روایی شیعه بسیار مختصر و مجمل به آن پرداخته شده و احادیث کمی در این مورد آمده است، لکن در منابع اهل سنت احادیث فراوانی در مورد دجال و طول عمر آن و صفات و ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری و کشته شدن آن مطرح شده که پرداختن به تمامی آن موارد خود مقالات متعددی می‌طلبند. البته

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۲۶۸.

۲. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۱۷.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۲.

شکی نیست که در برخی از این موارد زیاده گوئی‌ها نیز شده است. لذا لازم است که پژوهشگران این موضوع را همچون دیگر موضوعات مهدوی به طور کامل و خصوصاً از حیث محتوا مورد واکاوی قرار دهند. ما در این جا از بین آن همه روایات به ۳ روایت اکتفا می‌کنیم:

در سنن نسائی از عایشه نقل کرده **عَنِ النَّبِيِّ ﷺ كَانِ يَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ فَتْنَةِ الدَّجَالِ**. پیامبر ﷺ همواره به خداوند پناه می‌برد از عذاب قبر و فتنه دجال^۱ و در این مورد روایات متعددی را نسائی نقل می‌کند.

در صحیح بخاری آمده که پیامبر ﷺ فرمود: **أَنَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ**. بین دو چشم دجال نوشته شده که کافر است.^۲ البته این تعبیر پیامبر کنایه از حقیقت کفر دجال است. مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: **فَيُبْعَثُ اللَّهُ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ فَيَطْلُبُهُ فَيَهْلِكُهُ ...** یعنی سرانجام دجال به دست عیسی بن مریم کشته می‌شود.^۳

محور چهارم: حکومت جهانی حضرت مهدی

یکی از مهمترین مؤلفه‌های بحث مهدویت موضوع حکومت جهانی امام مهدی و ویژگی‌های آن است. چون آینده بشریت و پایان تاریخ و حیات اجتماعی انسان همواره مورد دغدغه انسان‌های آینده نگر بوده است. قرآن کریم در آیاتی متعدد بر این مطلب تصریح کرده که پایان جهان از آن بندگان صالح است^۴ و مستضعفان وارثان زمین هستند.^۵ بنابراین بسیار زیباست که ما این موضوع را در روایات مهدوی مورد اشاره قرار بدهیم.

الف. نزول عیسی بن مریم

یکی از مسائلی که در روایات شیعی و سنی به طور مکرر مطرح شده و مسئله بسیار

۱. سنن نسائی، کتاب الاستعاذه، ج ۸، ص ۲۷۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۳.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۷.

۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۵. قصص، آیه ۵.

مسلم و قطعی جلوه می‌نماید نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و در هنگامه‌های ظهور امام مهدی است که این مطلب مورد اجماع شیعه و سنی است. عیسی علیه السلام در آخر الزمان از آسمان به زمین نزول می‌کند و بر امام مهدی اقتدا کرده و مردم را به دین حق و دین اسلام دعوت نموده و صلیب‌ها را می‌شکند و خوک را می‌کشد و این روایات در تمامی کتب صحاح سته مطرح شده است ما به یک روایت اکتفا می‌کنیم:

در صحیح مسلم با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: سمعت النبی صلی الله علیه و آله يقول: لا تزال طائفة من امتی یقاتلون علی الحق ظاهرين الی یوم القیامة. قال: فینزل عیسی بن مریم، فیقول امیرهم: تعال صلّ لنا. فیقول لا انّ بعضکم علی بعض امراء تکرمة الله هذه الامة. شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از امت من پیوسته در راه حق جهاد می‌کنند و فاتح خواهند شد تا روز قیامت، سپس فرمود: آنگاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و امیر و پیشوای این گروه به وی می‌گوید: بیا برای ما نماز بگذار. او جواب خواهد داد: خیر، برخی از شما بر دیگران امیرند و این به جهت بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است.^۱ در مجموع ۲۰ روایت در صحیح مسلم در ۶ باب به موضوع نزول عیسی پرداخته شده است مانند کتاب الایمان باب نزول عیسی، باب ذکر مسیح ابن مریم، باب فتح قسطنطنیه و ابواب دیگر.

ب. حاکمیت اسلام بر جهان؛

خداوند متعال در قرآن وعده داده که دین اسلام را بر کل ادیان عالم برتری داده و مسلط بر کل جهان می‌نماید.^۲

این وعده بخاطر خاتمیت دین اسلام بخاطر معارف و احکام حیات‌بخش و جهانشمول بودن آن است. امروزه تنها کتاب آسمانی که مصون از تحریف مانده قرآن کریم است که معارف و حیوانی آن توسط انسان معصوم در عالم حکمفرما خواهد شد.

در سنن ابی داود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: و یعمل فی الناس بسنة نبیهم و

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۵.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

يلقى الاسلام بجرانه الى الارض. و او عمل می کند در بین مردم به سنت پیامبر ﷺ و اسلام را بر تمام زمین سلطنت و عزت می دهد.^۱

ج. عدالت گستری؛

از واژه‌هایی که بشر همواره با آن مأنوس بوده به نحوی که مورد آرمان و ایده بشریت واقع شده «عدالت» است. عدالت گمشده بشریت است که در طول تاریخ بدنبال آن می‌گردد تا آن را در حکومت امام مهدی نظاره‌گر باشد.

در سنن ابی داود در ۳ حدیث از پیامبر ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: **يَمَلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدلاً كَمَا مَلَأَتْ ظُلماً وَ جوراً.** امام مهدی زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد.^۲

د. بخشش فراوان و رفاه اقتصادی؛

در جامعه و حکومت مهدوی آن قدر بندگی و هدایت آدمیان رو به تعالی می‌رود که نیاز مادی انسان‌ها با بخشش‌های فراوان امام مهدی به آسانی رفع می‌شود تا نیازمندی یافت نشود و همه انسانها لبریز از بخشش و احسان او می‌شوند. آن قدر این بخشش و احسان فراوان می‌شود که دیگر کسی احساس نیاز نمی‌کند و همه در رفاه اقتصادی به سر برده تا فقط به بندگی و عبادت الهی بیاورند و از فکر این مسائل مادی دور باشند.

مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: **يَكُونُ فِي آخِرِ امْتِي خَلِيفَةُ يَحْتِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْدَ عَدْداً.** در اواخر امت من خلیفه‌ای خواهد آمد که مال را فراوان بخشش می‌کند و شمارش نخواهد کرد.^۳

ابن ماجه در سنن خود از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: **يَكُونُ فِي امْتِي الْمَهْدِي ... فَتَنْعَمُ فِيهِ امْتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ ...** مهدی در میان امت من خواهد بود. مردم در زمان او به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره‌ای ندیده باشند.^۴

۱. همان، حدیث ۴۲۸۵ - ۴۲۸۴ - ۴۲۸۳.

۲. سنن ابی داود، ج ۲.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۳.

۵. مدت حکومت امام مهدی؛

یکی دیگر از مواردی که در روایات شیعی و سنی مطرح شده و در صحاح سته نیز چند حدیث در این مورد مطرح شده «مدت حکومت امام مهدی» است.

ترمذی در سنن خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «ان فی امتی المهدی یخرج یعیش خمساً او سبعاً او تسع سنین». همانا در امت من مهدی است که ظهور کرده و زندگی می‌کند ۵ سال یا ۷ سال یا ۹ سال.^۱

در سنن ابن ماجه از پیامبر اسلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: یکون فی امتی المهدی ان قصر فسیع و الا فتسع. در امت من مهدی می‌باشد اگر کم بشود ۷ سال و الا ۹ سال حکومت می‌کند.^۲

در سنن ابی داود در یک روایت مدت حکومت را ۹ سال و در روایت دیگری ۷ سال می‌داند.^۳

۱. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۳۳.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۳.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

نتیجه

از مجموع روایاتی که درباره آخرالزمان، اشرافه الساعه و به تعبیر دیگر مهدویت به صورت عام یا خاص در صحاح سته به ویژه در صحیحین به آن پرداخته شده مشخص می‌شود که موضوع مهدویت از جمله موضوعات مورد توجه بلکه قطعی و مسلم در نزد این عالمان و محدثان بوده که حتی زوایا و جوانب آن را نیز مد نظر قرار داده اند. به نحوی که باب ویژه ای را در سنن ترمذی، سنن ابی داوود با عنوان "باب المهدی" ذکر کرده و روایات متعددی در ذیل آن متذکر شده و از حضرت مهدی با عنوان خلیفه دوازدهم یا خلیفه آخرالزمان از خلفای پیامبر یاد کرده اند.

علائم ظهور و شرایط آخرالزمان و ویژگی های مربوط به مباحث مهدویت از مسائل مورد توجه نزد صاحبان صحاح و سنن بوده است. جالب آن است که غالب این جوانب و زوایا با روایات و منابع شیعی قابل تطبیق و تحلیل است. پر واضح است که بعد از بررسی کامل و دقت وافر در این روایات میتوان به این نتیجه رسید که مسئله مهدویت از معتقدات اساسی و معارف اصیل در نزد فریقین است و شاهد بر این ثمره همین روایات و منابع آن است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

١. ابن تیمیہ، احمد، **منہاج السنہ**، بیروت، عالم الکتب، ق ١٤٠٥.
٢. ابن تیمیہ، احمد، **علم الحدیث**، عالم الکتب، بیروت، ق ١٤٠٥.
٣. ابن جوزی، جمال الدین عبدالرحمن، **تذکرہ الخواص**، بیروت، دارالفکر، ق ١٤٠٧.
٤. ابن حنبل، احمد، **مسند**، بیروت، دارصادر، بی تا.
٥. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، **الفصول المهمه فی معرفۃ احوال الائمۃ**، دارالاضواء، بیروت، ١٤٠٩ق.
٦. ابن صبان، محمد بن علی، **اسعاف الراغبین**، دارالکتب العلمیہ، بیروت.
٧. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **النهایه فی الفتنہ و الملاحم**، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ق ١٤٠٨.
٨. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **تفسیر القرآن العظیم**، دارالمعرفہ، بیروت، ق ١٤١٠.
٩. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **البدایہ و النہایہ**، مکتب المعارف، بیروت، ق ١٤١٢.
١٠. ابن ماجہ قزوینی، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجہ**، دارالفکر بیروت.
١١. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، **سنن ابی داود**، دارالفکر بیروت، ق ١٤١٠.
١٢. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، دارالفکر بیروت، ق ١٤١٠.
١٣. برزنجی، محمد بن عبدالرسول، **الاشاعہ لاشراط الساعہ**، قاهرہ، بی نا، ١٣٩٠ق.
١٤. ترمذی، ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ، **سنن ترمذی (الجامع الصحیح)**، دارالفکر، بیروت، ١٤٠٣.
١٥. تفوری، احمد سہار، **بذل المجهود فی شرح و حل سنن ابی داود**، عالم الکتب، بیروت ١٤١٦ق.
١٦. جزری، ابن اثیر، **جامع الاصول من احادیث الرسول**، بیروت، داراحیا التراث العربی، ١٤٠١ق.
١٧. جوینی، علی بن محمد، **فرائد السمطین**، بیروت، ق ١٤٠٠.
١٨. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، دارالمعرفۃ، بیروت،

ق ۱۴۱۸.

۱۹. حسینی دهلوی، میر حامد حسین، **عبقات الانوار فی معرفه الائمه الاطهار**، اصفهان مدرسه امام مهدی، ۱۳۸۲ ش.

۲۰. حمزوی، حسن، **مشارق الانوار**، مصر، ۱۳۰۷ ق.

۲۱. الخطیب، محمد عماج، **اصول الحدیث**، دارالفکر، بیروت، بی تا.

۲۲. ذهبی، شمس الدین، **سیر اعلام النبلاء**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق ۱۴۰۶.

۲۳. ذهبی، شمس الدین، **تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر و الاعلام**، دارالکتب العربی، بیروت، ق ۱۴۱۲.

۲۴. رضوانی، علی اصغر، **موعود شناسی**، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.

۲۵. سفارینی حنبل، شمس الدین محمد، **لوائح الانوار البهیة**، مصر، بی تا، ش ۱۳۹۴.

۲۶. سیوطی، ابوبکر جلال الدین، **العرف الوردی فی اخبار المهدی**، دارالفکر، بیروت، ق ۱۴۱۴.

۲۷. شبلنجی، مومن بن حسن، **نور الابصار**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ق ۱۴۱۸.

۲۸. شعرانی، عبدالوهاب، **الیواقیت و الجواهر**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

۲۹. صدوق، محمد بن حسین، **کمال الدین و تمام النعمه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۳۰. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنف**، هند، المجلس العلمی، ۱۳۹۰ ق.

۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ق ۱۴۰۶.

۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبه**، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش.

۳۳. العباد، عبدالمحسن، **الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی**، مجله الجامعه الاسلامیه السعودیه شماره ۴۵، ۱۴۱۱ ق.

۳۴. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ اق.

۳۵. عسقلانی، ابن حجر، **تهذیب التهذیب**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.

۳۶. قاری، ملا علی بن سلطان، **المشرب الوردی فی مذهب المهدی**، بی تا، بی تا.

٣٧. قندوزی حنفی، سلیمان، **ینابیع المودة**، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ق١٤١٨.
٣٨. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، **البيان فی اخبار صاحب الزمان**، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ق١٤٠٩.
٣٩. متقی هندی، علاء بن حسام الدین، **کنز العمال**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق١٤٠٩.
٤٠. متقی هندی، علاء بن حسام الدین، **البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان**، مکه، ق١٤٠٨.
٤١. مسلم قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، **الجامع الصحیح**، دارالفکر، بیروت، بی تا.
٤٢. مقدس شافعی، یوسف بن یحیی، **عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر**، انتشارات مسجد جمکران، قم، ق١٤١٦.
٤٣. مناوی، محمد عبدالرؤف، **فیض القدير**، دارالفکر، بیروت، ١٣١٩ ق.
٤٤. نسائی، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب، **سنن نسائی**، دارالفکر، بیروت، بی تا.
٤٥. نعمانی، ابراهیم بن محمد، **الغیبه**، کتابخانه صدوق، ١٣٦٣ ش تهران.
٤٦. هیثمی، ابن حجر، **الصواعق المحرقة**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق١٤١٧.